

کتاب مرانی ارمیا

۱ چگونه شهری که پر از مخلوق بود منفردنشسته است! چگونه آنکه در میان امت هابزرگ بود مثل بیوه زن شده است! چگونه آنکه در میان کشورها ملکه بود خراجگذار گردیده است!

۲ شبانگاه زارزار گریه می کند و اشکهایش بر رخسارهایش می باشد. از جمیع محبتش برای وی تسلی دهنده ای نیست. همه دوستانش بدو خیانت ورزیده، دشمن او شده اند.

۳ یهودا به سبب مصیبت و سختی بندگی، جلای وطن شده است. در میان امت ها نشسته، راحت نمی یابد. و جمیع تعاقب کنندگانش در میان جایهای تنگ به او در رسیده اند.

۴ راههای صهیون ماتم می گیرند، چونکه کسی به عیدهای او نمی آید. همه دروازه هایش خراب شده، کاهانش آه می کشند. دوشیزگانش در مرارت می باشند و خودش در تلخی.

۵ خصمانش سر شده اند و دشمنانش فیروز گردیده، زیرا که بیوه به سبب کثرت عصیان، او را ذلیل ساخته است. اطفالش پیش روی دشمن به اسیری رفته اند.

۶ و تمامی زیبایی دختر صهیون از او زایل شده، سرورانش مثل غزاله ای که مرتعی پیدائی کند گردیده، از حضور تعاقب کننده بی قوت می روند.

۷ اورشلیم در روزهای مذلت و شقاوت خویش تمام نفایسی را که در ایام سابق داشته بود به یاد می آورد. زیرا که قوم او به دست دشمن افتاده اند و برای وی مدد کننده ای نیست. دشمنانش او را دیده، بر خرابیهایش خندیدند.

۸ اورشلیم به شدت نگاه ورزیده و از این سبب مکروه گردیده است. جمیع آنانی که او را محترم می‌داشتند او را خوار می‌شمارند چونکه برهنگی او را دیده‌اند. و خودش نیز آه می‌کشد و به عقب برگشته است.

۹ نجاست او در دامنش می‌باشد و آخرت خویش را به یاد نمی‌آورد. و بطور عجیب پست گردیده، برای وی تسلی دهنده‌ای نیست. ای یهوه مذلت مرا بین زیرا که دشمن تکبر می‌نماید.

۱۰ دشمن دست خویش را بر همه نفایس اودراز کرده است. زیرا امت‌هایی را که امر فرمودی که به جماعت تو داخل نشوند دیده است که به مقدس او در می‌آیند.

۱۱ تمام قوم او آه کشیده، نان می‌جویند. تمام نفایس خود را به جهت خوراک داده‌اند تا جان خود را تازه کنند. ای یهوه بین و ملاحظه فرما زیرا که من خوار شده‌ام.

۱۲ ای جمیع راه‌گذریان آیا این در نظر شما هیچ است؟ ملاحظه کنید و ببینید آیا غمی مثل غم من بوده است که بر من عارض گردیده و یهوه در روز حدت خشم خویش مرا به آن مبتلا ساخته است؟

۱۳ آتش از اعلی‌علین به استخوانهای من فرستاده، آنها را زبون ساخته است. دام برای پایهایم گسترانیده، مرا به عقب برگردانیده، و مراویران و در تمام روز غمگین ساخته است.

۱۴ یوغ عصیان من به دست وی محکم بسته شده، آنها به هم پیچیده بر گردن من برآمده است. خداوند قوت مرا زایل ساخته و مرا به دست کسانی که با ایشان مقاومت نتوانم نمود تسلیم کرده است.

۱۵ خداوند جمیع شجاعان مرا در میانم تلف ساخته است. جماعتی بر من خوانده است تا جوارانان مرا منکسر سازند. و خداوند آن دوشیزه یعنی دختر یهودا را در چرخشت پایمال کرده است.

۱۶ به سبب این چیزها گریه می کنم. از چشم من، از چشم من آب می ریزد زیرا تسلی دهنده و تازه کننده جانم از من دور است. پسرانم هلاک شده اند زیرا که دشمن، غالب آمده است.

۱۷ صهیون دستهای خود را دراز می کند اما برایش تسلی دهنده ای نیست. یهوه درباره یعقوب امر فرموده است که مجاورانش دشمن او بشوند، پس اورشلیم در میان آنها مکروه گردیده است.

۱۸ یهوه عادل است زیرا که من از فرمان او عصیان ورزیده ام. ای جمیع امت ها بشنوید و غم مرا مشاهده نمائید! دوشیزگان و جوانان من به اسیری رفته اند.

۱۹ محبان خویش را خواندم اما ایشان مرا فریب دادند. کاهنان و مشایخ من که خوراک می جستند تا جان خود را تازه کنند در شهر جان دادند. ۲۰ ای یهوه نظر کن زیرا که در تنگی هستم. احشایم می جوشد و دلم در اندرون من منقلب شده است چونکه به شدت عصیان ورزیده ام. در پیرون شمشیر هلاک می کند و در خانه ها مثل موت است.

۲۱ می شنوند که آه می کشم اما برآیم تسلی دهنده ای نیست. دشمنانم چون بلای مرا شنیدند، مسرور شدند که تو این را کرده ای. اما توروzy را که اعلان نموده ای خواهی آورد و ایشان مثل من خواهند شد.

۲۲ تمامی شرارت ایشان به نظر تو بیاید. وچنانکه با من به سبب تمامی معصیتم عمل نمودی به ایشان نیز عمل نما. زیرا که ناله های من بسیار است و دلم بیتاب شده است.

۲

چگونه خداوند از غضب خود دختر

۱ صهیون را به ظلمت پوشانیده و جلال اسرائیل را از آسمان به زمین افکنده است. و قدمگاه خویش را در روز خشم خود به یاد نیاورده است.

۲ خداوند تمامی مسکن های یعقوب را هلاک کرده و شفقت ننموده است. قلعه های دختر یهودارا در غضب خود منهدم ساخته، و سلطنت و سرورانش را به زمین انداخته، بی عصمت ساخته است.

۳ در حدت خشم خود تمامی شاخهای اسرائیل را منقطع ساخته، دست راست خود را از پیش روی دشمن برگردانیده است. و یعقوب را مثل آتش مشتعل که از هر طرف می بلعدسوزانیده است.

۴ کج آن خود را مثل دشمن زه کرده، با دست راست خود مثل عدو برپا ایستاده است. و همه آنانی را که در خیمه دختر صهیون نیکو منظر بودند به قتل رسانیده، غضب خویش را مثل آتش ریخته است.

۵ خداوند مثل دشمن شده، اسرائیل را هلاک کرده و تمامی قصرهایش را منهدم ساخته و قلعه هایش را خراب نموده است. و برای دختر یهودا ماتم و ناله را افزوده است.

۶ و سایبان خود را مثل کپیری (در بوستان خراب کرده، مکان اجتماع خویش را منهدم ساخته است. یهوه، عیدها و سبت ها را در صهیون به فراموشی داده است. و در حدت خشم خویش پادشاهان و کاهنان را خوار نموده است.

۷ خداوند مذبح خود را مکروه داشته و مقدس خویش را خوار نموده و دیوارهای قصرهایش را به دست دشمنان تسلیم کرده است. و ایشان در خانه یهوه مثل ایام عیدها صدا می زنند.

۸ یهوه قصد نموده است که حصارهای دختر صهیون را منهدم سازد. پس ریسمانکار کشیده، دست خود را از هلاکت باز نداشته، بلکه خندق و حصار را به ماتم درآورده است که با هم نوحه می کنند.

۹ دروازه هایش به زمین فرورفته است پشت بندهایش را خراب و خرد ساخته است. پادشاه و سرورانش در میان امت ها می باشند و هیچ شریعی نیست. و انبیا ی او نیز رویا از جانب یهوه نمی بینند.

۱۰ مشایخ دختر صهیون بر زمین نشستند، خاموش می‌باشند، و خاک بر سر افشاندند، پلاس می‌پوشند. و دوشیزگان اورشلیم سر خود را بسوی زمین می‌افکنند.

۱۱ چشمان من از اشکها کاهیده شد و احشایم بجوش آمده و جگرم به سبب خرابی دختر قوم من بر زمین ریخته شده است. چونکه اطفال و شیرخوارگان در کوچه های شهر ضعف می‌کنند.

۱۲ و به مادران خویش می‌گویند: گندم و شراب کجا است؟ زیرا که مثل مجروحان در کوچه های شهر بیهوش می‌گردند، و جانهای خویش را به آغوش مادران خود می‌ریزند.

۱۳ برای تو چه شهادت توأم آورد و تو را به چه چیز تشبیه توأم نمودای دختر اورشلیم! و چه چیز را به تو مقابله نموده، تو را ای دوشیزه دختر صهیون تسلی دهم! زیرا که شکستگی تو مثل دریا عظیم است و کیست که تو را شفا تواند داد.

۱۴ انبیای تو رویاهای دروغ و باطل برایت دیده‌اند و گناهانت را کشف نکرده‌اند تا تو را از اسیری برگردانند، بلکه وحی کاذب و اسباب پراکندگی برای تو دیده‌اند.

۱۵ جمیع ره‌گذریان بر تو دستک می‌زنند و سخریه نموده، سرهای خود را بر دختر اورشلیم می‌جنبانند) و می‌گویند: (آیا این است شهری که آن را کمال زیبایی و ابتهاج تمام زمین می‌خواندند؟

۱۶ جمیع دشمنان، دهان خود را بر تو گشوده استهزا می‌نمایند و دندانهای خود را به هم افشردند، می‌گویند که آن را هلاک ساختیم. البته این روزی است که انتظار آن را می‌کشیدیم، حال آن را پیدا نموده و مشاهده کرده‌ایم. ۱۷ یهوه آنچه را که قصد نموده است بجآ آورده و کلامی را که از ایام قدیم فرموده بود به انجام رسانیده، آن را هلاک کرده و شفقت نموده است. و دشمنت را بر تو مسرور گردانیده، شاخ خصمانت را برافراشته است.

۱۸ دل ایشان نزد خداوند فریاد برآورده، (می گوید): ای دیوار دختر صهیون، شبانه روز مثل رود اشک بریز و خود را آرامی مده و مردمک چشمت راحت نبیند!

۱۹ شبانگاه در ابتدای پاسها برخاسته، فریاد برآور و دل خود را مثل آب پیش روی خداوند بریز. و دستهای خود را به خاطر جان اطفال که از گرسنگی به سر هر کوچه بیپوش می گردند نزد او برافراز،

۲۰ (و بگو): ای یهوه بنگر و ملاحظه فرما که چنین عمل را به چه کس نموده ای آیا می شود که زنان میوه رحم خود و اطفالی را که به ناز پرورده بودند بخورند؟ و آیا می شود که کاهنان و انبیا در مقدس خداوند کشته شوند؟

۲۱ جوانان و پیران در کوچه ها بر زمین می خوابند. دوشیزگان و جوانان من به شمشیر افتاده اند. در روز غضب خود ایشان را به قتل رسانیده، کشتی و شفقت نمودی.

۲۲ ترسهای مرا از هر طرف مثل روز عیدخواندی و کسی نبود که در روز غضب یهوه نجات یابد یا باقی ماند. و آنانی را که به ناز پرورده و تربیت نموده بودم دشمن من ایشان را تلف نموده است.

۳

- ۱ من آن مرد هستم که از عصای غضب وی مذلت دیده ام.
- ۲ او مرا رهبری نموده، به تاریکی درآورده است و نه به روشنایی.
- ۳ به درستی که دست خویش را تمامی روز به ضد من بارها برگردانیده است.
- ۴ گوشت و پوست مرا مندرس ساخته و استخوانهایم را خرد کرده است.
- ۵ به ضد من بنا نموده، مرا به تلخی و مشقت احاطه کرده است.
- ۶ مرا مثل آنانی که از قدیم مرده اند در تاریکی نشانیده است.
- ۷ گرد من حصار کشیده که نتوانم بیرون آمد و زنجیر مرا سنگین ساخته است.
- ۸ و نیز چون فریاد و استغاثه می نمایم دعای مرا منع می کند.

- ۹ راههای مرا با سنگهای تراشیده سد کرده است و طریقه‌هایم را بچ
نموده است.
- ۱۰ او برای من خرسی است در کمین نشسته و شیری که در پیشه خود
می‌باشد.
- ۱۱ راه مرا منحرف ساخته، مرا دریده است و مرا مبهوت گردانیده
است.
- ۱۲ کمان خود را زه کرده، مرا برای تیرهای خویش، هدف ساخته
است.
- ۱۳ و تیرهای ترکش خود را به گرده‌های من فرو برده است.
- ۱۴ من به جهت تمامی قوم خود مضحکه و تمامی روز سرود ایشان شده‌ام.
- ۱۵ مرا به تلخیا سیر کرده و مرا به افسنتین مست گردانیده است.
- ۱۶ دندانهایم را به سنگ ریزها شکسته و مرا به خاکستر پوشانیده است.
- ۱۷ تو جان مرا از سلامتی دور انداختی و من سعادت‌مندی را فراموش
کردم،
- ۱۸ و گفتم که قوت و امید من از یهوه تلف شده است.
- ۱۹ مذلت و شقاوت مرا افسنتین و تلخی به یاد آور.
- ۲۰ تو البته به یاد خواهی آورد زیرا که جان من در من منحنی شده است.
- ۲۱ و من آن را در دل خود خواهم گذرانید و از این سبب امیدوار
خواهم بود.
- ۲۲ از رافت‌های خداوند است که تلف نشدیم زیرا که رحمت‌های او
بی‌زوال است.
- ۲۳ آنها هر صبح تازه می‌شود و امانت تو بسیار است.
- ۲۴ و جان من می‌گوید که خداوند نصیب من است، بنابراین بر او
امیدوارم.
- ۲۵ خداوند به جهت کسانی که بر او توکل دارند و برای آنانی که او را
می‌طلبند نیکو است.

۲۶ خوب است که انسان امیدوار باشد و با سکوت انتظار نجات خداوند را بکشد.

۲۷ برای انسان نیکو است که یوغ را در جوانی خود بردارد.

۲۸ به تنهایی بنشیند و ساکت باشد زیرا که او آن را بروی نهاده است.

۲۹ دهان خود را بر خاک بگذارد که شاید امید باشد.

۳۰ رخسار خود را به زندگان بسپارد و از خجالت سیر شود.

۳۱ زیرا خداوند تا به ابد او را ترک نخواهد نمود.

۳۲ زیرا اگرچه کسی را محزون سازد لیکن بر حسب کثرت رفت خود رحمت خواهد فرمود.

۳۳ چونکه بنی آدم را از دل خود نمی رنجاند و محزون نمی سازد.

۳۴ تمامی اسیران زمین را زیر پایمال کردن،

۳۵ و منحرف ساختن حق انسان به حضور حضرت اعلیٰ،

۳۶ و منقلب نمودن آدمی در دعویٰ منظور خداوند نیست.

۳۷ کیست که بگوید و واقع شود اگر خداوند امر نفرموده باشد.

۳۸ آیا از فرمان حضرت اعلیٰ هم بدی و هم نیکویی صادر نمی شود؟

۳۹ پس چرا انسان تا زنده است و آدمی به سبب سزای گاهان خویش

شکایت کند؟

۴۰ راههای خود را تجسس و تفحص بنماییم و بسوی خداوند بازگشت

کنیم.

۴۱ دله و دستهای خویش را بسوی خدایی که در آسمان است برافرازیم،

۴۲) و بگویم: «ما گناه کردیم و عصیان ورزیدیم و تو عفو فرمودی.

۴۳ خویشان را به غضب پوشانیده، ما را تعاقب نمودی و به قتل رسانیده،

شفقت فرمودی.

۴۴ خویشان را به ابر غلیظ مستور ساختی، تادعای ما نگذرد.

۴۵ ما را در میان امت‌ها فضله و خاکروبه گردانیده‌ای.»

۴۶ تمامی دشمنان ما بر ما دهان خود را می گشایند.

- ۴۷ خوف و دام و هلاکت و خرابی بر ما عارض گردیده است.
- ۴۸ به سبب هلاکت دختر قوم من، نهرهای آب از چشمانم می‌ریزد.
- ۴۹ چشم من بلا انقطاع جاری است و باز نمی‌ایستد.
- ۵۰ تا خداوند از آسمان ملاحظه نماید و ببیند.
- ۵۱ چشمانم به جهت جمیع دختران شهرم، جان مرا می‌رنجاند.
- ۵۲ آنانی که بی سبب دشمن منند مرا مثل مرغ بشدت تعاقب می‌نمایند.
- ۵۳ جان مرا در سیاه چال منقطع ساختند و سنگها بر من انداختند.
- ۵۴ آنها از سر من گذشت پس گفتم: منقطع شدم.
- ۵۵ آنگاه ای خداوند، از عمق های سیاه چال اسم تو را خواندم.
- ۵۶ آواز مرا شنیدی، پس گوش خود را از آه و استغائه من مپوشان!
- ۵۷ در روزی که تو را خواندم نزدیک شده، فرمودی که تترس.
- ۵۸ ای خداوند دعوی جان مرا انجام داده و حیات مرا فدیة نموده‌ای!
- ۵۹ ای خداوند ظلمی را که به من نموده اند دیده‌ای پس مرا دادرسی فرما!
- ۶۰ تمامی کینه ایشان و همه تدبیرهایی را که به ضد من کردند دیده‌ای.
- ۶۱ ای خداوند مذمت ایشان را و همه تدبیرهایی را که به ضد من کردند شنیده‌ای!
- ۶۲ سخنان مقاومت کنندگانم را و فکریهایی را که تمامی روز به ضد من دارند (دانسته‌ای).
- ۶۳ نشستن و برخاستن ایشان را ملاحظه فرما زیرا که من سرود ایشان شده‌ام.
- ۶۴ ای خداوند موافق اعمال دستهای ایشان مکافات به ایشان برسان.
- ۶۵ غشاوه قلب به ایشان بده و لعنت تو برایشان باد!
- ۶۶ ایشان را به غضب تعاقب نموده، از زیر آسمانهای خداوند هلاک کن.

۴

- ۱ چگونه طلا زنگ گرفته و زر خالص منقلب گردیده است؟ سنگهای قدس به سر هر کوچه ریخته شده است.
- ۲ چگونه پسران گرانبهای صهیون که به زر ناب برابر می بودند مثل ظروف سفالین که عمل دست کوزه گر باشد شمرده شده اند.
- ۳ شغلها تیز پستانهای خود را بیرون آورده، بچه های خویش را شیر می دهند. اما دختر قوم من مانند شتر مرغ بری، بیرحم گردیده است.
- ۴ زبان اطفال شیرخواره از تشنگی به کام ایشان می چسبد، و کودکان نان می خواهند و کسی به ایشان نمی دهد.
- ۵ آنانی که خوراک لذیذ می خورند در کوچه ها بینوا گشته اند. آنانی که در لباس قرمز تربیت یافته اند مزبله ها را در آغوش می کشند.
- ۶ زیرا که عصیان دختر قوم من از گناه سدوم زیاده است، که در لحظه ای واژگون شد و کسی دست بر او نهاد.
- ۷ نذیرگان او از برف، صاف تر و از شیر، سفیدتر بودند. بدن ایشان از لعل سرختر و جلوه ایشان مثل یاقوت کیود بود.
- ۸ اما صورت ایشان از سیاهی سیاهتر شده است که در کوچه ها شناخته نمی شوند. پوست ایشان به استخوانهایشان چسبیده و خشک شده، مثل چوب گردیده است.
- ۹ کشتگان شمشیر از کشتگان گرسنگی بهترند. زیرا که اینان از عدم محصول زمین مجروح شده، کاهیده می گردند.
- ۱۰ زنان مهربان، اولاد خود را می پزند به دستهای خویش. و آنها در هلاکت دختر قوم من غذای ایشان هستند.
- ۱۱ خداوند غضب خود را به اتمام رسانیده، حدت خشم خویش را ریخته است، و آتشی در صهیون افروخته که اساس آن را سوزانیده است.
- ۱۲ پادشاهان جهان و جمیع سکنه ربع مسکون باور نمی کردند که عدو و دشمن به دروازه های اورشلیم داخل شود.

۱۳ به سبب گناه انبیا و نگاه کاهنانش، که خون عادلان را در اندرونش ریختند.

۱۴ مثل کوران در کوچه‌ها نوان می‌شوند و از خون نجس شده‌اند، که لباس ایشان را لمس نمی‌توانند کرد.

۱۵ و به ایشان ندا می‌کنند که دور شوید، نجس (هستید!) دور شوید دور شوید و لمس ننمایید! چون فرار می‌کردند نوان می‌شدند و در میان امت‌ها می‌گفتند که در اینجا دیگر توقف نخواهند کرد.

۱۶ خشم خداوند ایشان را پراکنده ساخته و ایشان را دیگر منظور نخواهد داشت. به کاهنان ایشان اعتنا نمی‌کنند و بر مشایخ، رافت ندارند.

۱۷ چشمان ما تا حال در انتظار اعانت باطل ما کاهیده می‌شود. بر دیده بانگاههای خود انتظار کشیدیم، برای امتی که نجات نمی‌تواند داد.

۱۸ قدمهای ما را تعاقب نمودند به حدی که در کوچه‌های خود راه نمی‌توانیم رفت. آخرت ما نزدیک است و روزهای ما تمام شده زیرا که اجل ما رسیده است.

۱۹ تعاقب کنندگان ما از عقابهای هواپزوتراند. ما را بر کوهها تعاقب می‌کنند و برای ما در صحرا کمین می‌گذارند.

۲۰ مسیح خداوند که نفعه بینی ما می‌بود در حفره‌های ایشان گرفتار شد، که درباره او می‌گفتم زیر سایه او در میان امت‌ها، زیست خواهیم نمود.

۲۱ مسرور باش و شادی کن ای دختر ادم که در زمین عوص ساکن هستی! بر تو نیز این جام خواهد رسید و مست شده، عریان خواهی شد.

۲۲ ای دختر صهیون سزای نگاه تو تمام شد و تو را دیگر جلای وطن نخواهد ساخت. ای دختر ادم، عقوبت نگاه تو را به تو خواهد رسانید و گاهان تو را کشف خواهد نمود.

۵

- ۱ ای بیوه آنچه بر ما واقع شد به یاد آور و ملاحظه فرموده، عار ما را بین.
- ۲ میراث ما از آن غریبان و خانه های ما از آن اجنبیان گردیده است.
- ۳ ما یتیم و بی پدر شده ایم و مادران ما مثل بیوه ها گردیده اند.
- ۴ آب خود را به نقره می نوشیم و هیزم ما به مافروخته می شود.
- ۵ تعاقب کنندگان ما به گردن ما رسیده اند و خسته شده، راحت نداریم.
- ۶ با اهل مصر و آشور دست دادیم تا از نان سیر شویم.
- ۷ پدران ما گناه ورزیده، نابود شده اند و مامتحمل عصیان ایشان گردیده ایم.
- ۸ غلامان بر ما حکمرانی می کنند و کسی نیست که از دست ایشان رهایی دهد.
- ۹ از ترس شمشیر اهل بیابان، نان خود را بخطر جان خویش می یابیم.
- ۱۰ پوست ما به سبب سموم قحط مثل تنور سوخته شده است.
- ۱۱ زنان را در صهیون بی عصمت کردند و دوشیزگان را در شهرهای یهودا.
- ۱۲ سروران از دست ایشان به دار کشیده شده و به مشایخ اعتنا نمودند.
- ۱۳ جوانان سنگهای آسیا را برمی دارند و کودکان زیر بار هیزم می افتند.
- ۱۴ مشایخ از دروازه ها نابود شدند و جوانان از نغمه سرایی خویش.
- ۱۵ شادی دل ما نیست شد و رقص ما به ماتم مبدل گردید.
- ۱۶ تاج از سر ما افتاد، وای بر ما زیرا که نگاه کردیم.
- ۱۷ از این جهت دل ما بیتاب شده است و به سبب این چیزها چشمان ما تار گردیده است.
- ۱۸ یعنی به خاطر کوه صهیون که ویران شد و روباهان در آن گردش می کنند.
- ۱۹ اما تو ای بیوه تا ابد الابد جلوس می فرمایی و کرسی تو تا جمیع دهرها خواهد بود.

۲۰ پس برای چه ما را تا به ابد فراموش کرده و ما را مدت مدیدی ترک نموده‌ای.

۲۱ ای یهوه ما را بسوی خود برگردان و بازگشت خواهیم کرد و ایام ما را مثل زمان سلف تازه کن.

۲۲ و الا ما را بالکل رد نموده‌ای و بر ما بی نهایت غضبناک شده‌ای.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 1 Oct 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f